

تراله بسیار زین و عمر زینس ، اگر از دیر کانه دادخ نتر
 کله درسته ، بتر حق دارس ، با آنکه همیشه بیاد توام نمیدانم چرا
 اینده همه در جواب ، نه کو تا خبر کردام ، یک علت آنهم این
 بود که میخواستم تکلیف ما ذم برده معلوم شود در این بنویسم
 که تا آنکه نصیم آسانی نبود ، با آنکه از سال پیش بزنده ام
 این بود ، همانطور که باید نوشتیم ، که این تا تباه ، *است*
 بریم شخصی به ایل یا ، رجه کندی را درم رسیدم از تنهایی خوشم نیاید -
 رجم حق در گفتن را درم صبی دوست داشتیم تنهایی از دستم کردیم
 که رجه آدم ، یک جمعیت است سلیقه بالا تنه است ، اینک
 اول بیع جانم را به ریت دستم که نه ، هر داد و خانم حیات
 بیایند ایما . بنا بر این ، آنکه دم جواب این موقع که *Sam Deed*
 بهترین فصل است ایما باشد میدانم که نمیتوانی - این نوع به جانم
 ختم و غرق گل میباشد ولی *است* ، اینها جیب
 حکت و نبرد با همه قوه ان میسوند ، در حال شما ، بیایند بر وقت میخواهد
 ، نه ، خانم حیات میگویند او هم حیل دارد ، بیایند طی نمیدانم عصیه اش
 محض خوابه کور ، نه ایما شب بار او هم میت میسوزیم ، بار هر دادیم
 حینه فصل نوشتیم در رسیدیم اگر دعوتی که میخواهد برایش نوشتیم ، علاوه
 ؛ و نوشتیم میدانم که در این کارش نمیتواند زنده در خصی بکشد ، بیخوب
 رتبه ای ، کو ذوق خوابه سه دالت و حد اقل که ، به ملاه پیش من
 جانی ، خوب تراله جان وصف العی نصف العی عجالت
 ؛ حیل آنکه ما بیایند خوشام .
 امیدارم که حال خودت ، بیع و نیزه نیز خوب و سلامت ، بشه

این روز که حسی بزانه از رویه در بوی من نیست و در اینست مبارک
کو بیاندازد، حیدر خورشید که آید هم پیش تو. البت و منی رنگین
بگوید آری بگریه آنجا را نشان خواهد داد.

زندگی من مانند ساقی میگذرد در میان طور که تو نوشته بودی از جمع که از
خواب مندی بیوم تا شب مشغول کار روزگاری هستم، هر شب هم
خوانم روزنامه و مجله و شنیدن و در وقت ما را میگذرد و دیگر حوال
بر کار دیگر نیست، بلکه بعد از آن وقت منم صرف باغبانی
میگردد که دیگر خسته شدم ام و دم میخورم به بوم کدر یک آه و زاری که
بلکه بدانم به کار فغانی هستم، چون این روز که بیدار وقت میگرم
فغانی هستم.

بسیار خوب اند و آنجا هم حسی مشغول، ایلی می بیند از صبح به بروی
که نه است و مندی ام اینست بسمه؟، زندگی خودت را چه خواهد کرد!
گرام خوب است و گاهی مشغول بازره با هم هستم، "بهر بگو ملو"
چون بکس تو نم اهل بازره هستم! آه نه چه می!

مراه جانم که چه بکنی در بیع حالی چطور است، امیدوارم بهر چه
خوب و سلامت بماند که را اس سلاسی از بهر چه در دست است،
بیشتر بسیار بهر بن و مندی و نامعلی چطور هسته، از بکل من
در راه ادرا بپوش و بگو بهر بماند و رحمت اود در نظام است

"آله جانم، نه برام بنویس و خبر من تره آمدت را به
انوه از دست بیاخت بر گشته و منی سوراخی شجا طو کاره ای که دارد
معدانه تا بکان بماند. همه احوال را بپوش. و بهم تو رسیدم
دقت کنه است بسم
بسم